

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه سی و نهم، ۳ آذر ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/بازار مشتقه / موضوع شناسی بازار مشتقه بر اساس روایات

### 1- حدیث اخلاقی

حدیث امروز، یکی از فرمایش‌های دربار رسول مکرم اسلام صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه است. حدیث در کتاب تحف العقول و مجامع روایی دیگر است.

#### 1.1- برترین انسان‌ها

وقال صلی الله علیه وآله: «خيارکم، أحاسنکم أخلاقا الذین یألفون ویؤلفون [1].»

حدیث بسیار با عظمتی است. تشخیص انسان به اخلاق اوست. اخلاق شخصیت ساز است.

#### 1.2- حسن خلق پیامبر صلی الله علیه و آله در حد اعجاز است

در آیه شریفه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾، [2] تشخیص رسول مکرم اسلام به عنوان خطاب خاص و اخلاق با عظمت ایشان بیان شده است. ما در بحث اخلاق رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله قائل به این هستیم که اخلاق ایشان، چون می‌خواهد اسوه همه باشد در حد اعجاز است؛ و منافات ندارد یک چیزی در حد اعجاز باشد و قابل متابعت باشد. اخلاق نه تنها تشخیص دنیا است، تشخیص آخرت هم هست.

#### 1.3- حسن خلق عامل سنگینی میزان در روز قیامت

﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾، [3] که وصف انسان‌های با تقوا است، باورشان به عنوان بهترین اخلاقشان در قیامت تمثل می‌یابد. و این تمثل خلق و خوی آنها میزان آنها را سنگین می‌کند؛ چون ﴿وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾، [4] چون وزن، حق است میزان هم، حق است و به جایی می‌رسد که ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ﴾ [5] ﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ﴾ [6]. کسی که موازینش سنگین باشد در زندگی کاملاً رضایت بخش خواهد بود. فرمودند: ثقلت یعنی محاسن اخلاقی. پس کفه سنگین و وزن سنگین روز قیامت، به حسن اخلاق و مکارم اخلاق است [7].

رسول مکرم صلی الله علیه و آله بهترین‌ها را معرفی کردند. قانون حتمی است که زندگی برای برترین‌ها است. ان شاء الله جزو برترین‌ها و بهترین‌ها باشیم. برترین‌ها و بهترین‌ها، در حسن

خلق است. احاسن جمع أحسن است؛ یعنی بهترین شما و برترین شما، برترین شما از نظر اخلاق است. اخلاقاً جمع است و تنوین دارد و منوع است. تنوین هم کثرت کمی دارد و هم کثرت کیفی. درایت الحدیث، همین است. اخلاق، متعدد است.

#### 1.4- نقش حسن خلق در ارتباط گرفتن و رابطه با دیگران

خلق و خوهای گوناگون وجود دارد. بهترین شما از جهت اخلاق، کسانی هستند که هم الفت می‌گیرند و هم الفت می‌دهند، هم اهل ارتباط با دیگران هستند و هم اهل ارتباط گرفتن از دیگران هستند، هم دل مهربانی دارند و هم دل مهربان‌ساز دارند، هم جذبه دارند و هم اهل جذب دیگران هستند. در یک جمله حضرت، حسن خلق را به مراوده و رابطه‌ی خوب گرفتند؛

این مراوده و رابطه در سوره آل عمران آمده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ [8] و یکی از آیات عجیب سوره آل عمران است و این رابطه، سبک زندگی در بندگی است؛ این رابطه به الفت است؛ رابطه با امام و با مرز و ثغور. رابطوا، یعنی رابطوا إمامکم [9].

پس اولین رابطه، رابطه با خدا است. دومی با امام است و سومی با شخصی است که می‌خواهد به خدایش برسد؛ یعنی انسان‌ها. این معنی این است که بهترین شما، بهترین از نظر اخلاق است. و آنها هم کسانی هستند که اهل ارتباط‌گیری هستند. وحشی نیستند، بلکه اهلی هستند، اهل انس هستند، زود انس می‌گیرند. دیدید گاهی از اوقات حیوان‌ها زود اهلی می‌شوند، ولی برخی اگر هزاران سال هم با انسان باشند، اهلی نمی‌شوند. انسان اهل الفت و انس است. ان شاء الله جزء برترین‌ها باشیم. پیام حدیث امروز هم، پیام بهترین‌ها و برترین‌ها است که این در بهترین‌ها و برترین‌های اخلاقی است و بهترین اخلاق، این است که انسان اهل انس و الفت باشد.

#### 2- خلاصه جلسه گذشته

بحمد الله رب العالمین در مسائل بورس، سیر بحث تا اینجا آمد که ما اصل بازار بورس را مطرح کردیم و گفتیم بورس، بازاری است که معاملات مختلفی در آن است. اصل بازار را به ادله اربعه یا ثلاثه یا بیشتر ثابت کردیم که مشروعیت دارد و عقلایی است؛ گرچه جدید است که در آن سهام یا اوراق یا کالاهای مختلفی در آن عرضه می‌شود؛ ولی اینکه اصل بورس مشروعیت داشته باشد، دلیل بر این نیست که کلیه معاملاتش مورد صحه و تایید باشد.

می‌توانیم گزیده نظرمان را این گونه بگوییم که آنچه به نتیجه رسیدیم این است که بورس، اگر در آن کالای ممنوعه شرعی مانند خمر و موجودات نجس العین و سگ و خوک، معامله نشود و معاملات هم ربوی نباشد، معاملات در بورس مشروعیت دارد إلا ما خرج بالدلیل. و بورس، نقد بازاری است که در آن، ابزارهای مالی گوناگون مانند اوراق بهادار، سهام و اعتبارها و حتی کالاهای فیزیکی در یک لحظه و یک آن، معامله می‌شود.

### 3- بعضی از اقسام معاملات در بورس (معاملات آتی، آتی و مشتقه)

می‌شود گفت: بورس، روان‌ترین بازاری است که در آن، معاملات صورت می‌گیرد. در این بازار معاملاتی، گاهی اوقات کالاهایی که خرید و فروش می‌شود، گاهی آتی و لحظه‌ای است و گاهی کالاهایی است که بازار مشتقه و آتی است. یا اختیار معامله خرید و فروش می‌شود. در بازار مشتقه که علت اینکه به آن بازار مشتقه می‌گویند، این است که ارزش اوراق و کالاهایی که در آن است، مشتق از دیگر دارایی‌هایی است که آنجا عرضه می‌شود؛ حالا دارایی‌اش اوراق بهادار باشد یا شاخص اوراق و غیر آن باشد. بازار بورس بدون ریسک نیست؛ چنانکه نفس تجارت، بدون ریسک نیست. چون کسی که چیزی را می‌خرد، یا سود می‌کند یا ضرر و یا هیچ کدام. در ضرب المثل‌ها داریم که تاجری که مقداری جریزه و شهابت تجارت داشته باشد سود می‌کند. بازار مشتقه با ابزارهای مالی‌اش روز به روز در حال تکثر و تنوع است؛ یعنی همین الآن که در سال ۱۴۴۲ قمری و در سال ۱۳۹۹ شمسی این بحث را می‌کنیم، شاید سالیان دیگر و ماه‌های دیگر، شقوق جدید بیابد که باید بحث شود.

معاملاتی که در بورس انجام می‌شود، گاهی نقدی است و آتی و لحظه‌ای است؛ پولی می‌دهد و جنسی را می‌خرد؛ قبض و اقباضی رخ می‌دهد، ولو به صورت دیجیتالی و الکترونیکی و به قول امروزی‌ها با دستگاه‌های هوشمند یا با ربات‌ها معامله انجام می‌شود. ما عرض کردیم معامله‌گر، وکالت به کارگزار می‌دهد و او با بورس قرارداد امضا می‌کند. و همه اینها کارشان با دستگاه‌های دیجیتالی و با رایانه و ربات‌های هوشمند است. هر کس که به لحاظ زمان متقدم و متاخر در معامله باشد، تاثیر دارد.

در بازار بورس، معاملات مختلفی انجام می‌شود؛ گاهی معاملات آتی است. حالا عبارت‌های اینها را از خود قراردادهایشان خواهیم خواند. در قراردادهای آتی ملاحظه کنید؛ صحبت بازار مشتقه شد.

این عبارات از قوانین بورس است؛ این قانون، هم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و هم به تایید شورای نگهبان. می شود گفت که با توجه به اشراف ولی فقیه بر مبادلات بانکی و بورسی ایران، تایید ضمنی مشروعیت هم دارد؛ بعید نیست این را استفاده کنیم.

#### 4-تعریف بازار مشتقه در قوانین بورس

ماده ۱، بند ۱۱ از قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران:

«بازار مشتقه، بازاری است که در آن قراردادهای آتی [10] و اختیار معامله [11] مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا داد و ستد می شود [12].»

قراردادی را الآن خرید و فروش می کند، یا اختیار معامله ای را الآن خرید و فروش می کند؛ حالا باید فروغ این بحث شود که این خرید و فروش قرارداد یا اختیار معامله، به تعهد می گیرد یا ضمان است و یا پیمان نامه ضمن عقد می گیرد؟

پس بازار مشتقه، بازاری است که در آنجا طبق قوانینی که سازمان بورس مشخص می کند، (که تشکیلات حقوقی با افراد حقیقی است) قرارداد آتی، خرید و فروش می شود. حالا می خواهیم بدانیم که با توجه به اینکه دستورالعمل سازمان بورس است، این قرارداد چگونه قراردادی است؟

#### 5-معیار بورس ایران و بورس جهانی یکی است

همین جا یک مطلبی عرض کنیم که درست است که بازار بورس ایران را داریم بررسی می کنیم، ولی در مواردی بورس های خارجی هم شبیه ما است؛ قطعاً اگر شبیه به قوانین ما باشد آن قوانین را هم شامل می شود، مگر جاهایی که در بورس خارج، به عنوان نمونه کالاهای محرم و ممنوعه را هم خرید و فروش کنند. سگ و خوک و شراب هم شاید خرید و فروش کنند؛ سود ربوی هم دارند که قطعاً این معاملات، مورد تایید نیست.

#### 6-وجود ناظرهای مختلف در بورس

پس در بورس، ما به این نتیجه رسیدیم که خودش بازاری است که معاملات مختلف در آن هست. اولین اتفاقی که می افتد این است که معامله گر به کارگزار برای خریدهای مختلف وکالت می دهد؛ البته این خریدش شاید ناظرهای مختلف داشته باشد؛ به تعبیر اهل بورس، ناظر سهام داریم؛ ناظر بورس و ناظر شخصیت های حقیقی و حقوقی داریم که در تشکیلات اداری شان، شاید نظارت های مختلفی داشته باشد.

مثلا کسی پولی را در اختیار کس دیگری می‌گذارد، می‌گوید: برای من خرید و فروش بکن؛ البته از فلانی هم مشورت بگیر یا با نظارت فلانی باشد. می‌شود بگوییم این یک خرید و فروش مشروط به نظارت دیگری است که اگر روزی خرید و فروش مستقل کرد، شاید مانند جایی باشد که وکلا متعدد هستند. این صورت‌ها هر کدام موضوع‌شناسی می‌شود.

### 7- تطبیق بازار مشتقه بر بعضی از معاملات مدت‌دار در روایات

بازار مشتقه در بورس، بازاری است که نه عین همین خرید و فروش‌ها را بلکه نمونه‌های تحقیقی آن را در گذشته داشته‌ایم؛ تنها فرم عوض شده است.

دیروز روایاتی را از باب پنجم از ابواب أحكام العقود کتاب التجارة از وسائل الشیعة خواندیم و الآن چند روایت دیگر از این باب، بخوانیم. این باب را خیلی نیاز داریم.

#### 7.1- روایت اول

محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسین ، عن محمد بن إسماعیل ، عن منصور بن یونس ، عن شعيب الحداد ، عن بشار بن یسار قال : «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يبيع المتاع بنساء (مدت‌دار می‌خرد) فیشریه من صاحبه الذي يبيعه منه؟ قال : نعم لا بأس به ، فقلت له : اشترى متاعي؟ فقال : ليس هو متاعك ولا بقرک ولا غنمك [13].»

بازار یعنی سودآوری؛ کسی که در بازار چند ساعت وقت می‌گذارد، برای این است که می‌خواهد سود کند و الا تلاش نمی‌کند.

#### 7.2- روایت دوم

وإسناده عن محمد بن الحسن الصفار ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن محمد بن إسماعيل بن بزيح ، عن صالح بن عقبة ، عن يونس الشيباني قال : «قلت لابي عبد الله عليه السلام: الرجل يبيع البيع، والبائع يعلم أنه لا يسوى والمشتري يعلم أنه لا يسوى إلا أنه يعلم أنه سيرجع فيه فيشریه منه . قال: فقال: يا يونس ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لجابر بن عبد الله: كيف أنت إذا ظهر الجور وأورثهم الذل، قال: فقال له جابر: لا بقيت إلى ذلك الزمان، ومتى يكون ذلك بأبي أنت وأمي؟ قال: إذا ظهر الربا يا يونس وهذا الربا فإن لم تشره رده عليك؟ قال: قلت: نعم، قال: فلا تقربنه فلا تقربنه [14].»

روایت حسنه است. کسی خرید و فروش می کند و بایع و مشتری می دانند که بر می گردد و از همان فرد می خرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر فرمودند که بر چه حالی آن زمان که جور ظاهر شود؟ جابر گفت: آن روز نباشم؛ فرمودند: زمانی که ربا ظاهر شود چه می کنی؟ حضرت فرمودند: اگر خود سود را خرید و فروش کردند سراغش نرو که ربا است.

این را کنار آن روایات دیگر خواندم که ببینید وضعیت خرید و فروش، چگونه باید باشد.

### 7.3-روایت سوم

روایت ششم همین باب:

عبدالله بن جعفر في ( قرب الإسناد ) عن عبدالله بن الحسن، عن جده علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام» قال: سألته عن رجل باع ثوبا بعشرة دراهم، ثم اشتراه بخمسة دراهم أيحل؟ قال: إذا لم يشترط ورضيا فلا بأس» و رواه علي بن جعفر في ( كتابه ) إلا أنه قال: «بعشرة دراهم إلى أجل ثم اشتراه بخمسة دراهم بنقد [15].»

(شرط نگذارند، یعنی همدیگر را مسلوب الاختیار نکنند؛ اگر شرط نگذارند و راضی باشند اشکال ندارد. اینکه خود را مسلوب الاختیار نکنند، یعنی شرط نگذارد که باید حتما به من بفروشی. در معامله آتی هم همین طور است؛ یعنی آیا طرفین یکدیگر را مسلوب الاختیار می کنند یا سهام را به دیگری هم می تواند بفروشد؟ قطعاً اگر قرارداد ببندد که اگر بگوید فقط خودش باید بخرد نه دیگری، اینجا جایی است که تأمل باید کرد).

ده درهم مدت دار می فروشد و پنج درهم نقدی و بدون مدت همان را می خرد. می توانیم بگوییم در معاملات بورس اگر قراردادی ببندند و مدتی را خرید و فروش کنند، جایز است یا خیر؟ طبق این روایات، اگر اختیار معامله را خرید و فروش می کنند و در بازار آتی و مشتقه که طرفین سهم یا کالای مدت دار را می خرند، در صورتی که خودشان را مسلوب الاختیار کنند، به گونه ای که حتماً باید این معامله با این سود صورت بگیرد، این دارای اشکال است.

### 7.3.1-شرعیت معامله در جایی که از طرفین سلب اختیار می کند

فرع جدید اینکه اگر کسی با دیگری معامله کرد و خودشان خود را مسلوب الاختیار نکردند، ولی در یک مغازه ای یا مجلسی یا بازاری یا مکانی معامله ای صورت گرفت که هر آنچه آنجا انجام گیرد معامله لازم است، آیا این فرد، مسلوب الاختیار است یا خیر؟ یا ممکن است بگوییم خودشان خود را مسلوب الاختیار کردند. به نظر شیخ انصاری و سید یزدی صاحب عروه و

بزرگانی از فقهای دیگر، اینجا باید بگوییم فيه وجهين. دو احتمال است: احتمال جواز و احتمال نفي جواز؛ احتمال اول، جواز است؛ چون که مبادله کتاب کردند و فکر می کردند دارای اختیار و خصوصیات دیگر هستند، و احتمال دیگر اینکه نخیر؛ اصلا شرط ورود به این مکان این است که با لزوم باشد. حالا اگر طرفینی با علم به سلب اختیار، خودشان را مسلوب الإختيار کردند، آیا معامله جایز است یا جایز نیست؟ ما عرض مان این است که اشکالی ندارد؛ مانند این است که از اول کسی خودش را مسلوب الإختيار کند؛ البته به شرطی که نهی صریح موردی نداشته باشیم که شاید اینجا نهی صریح موردی داشته باشیم.

#### 7.4-روایت چهارم

روایت دیگر برای ابن ابی عمیر است که صحیحه است.

باب ۶، باب انه يجوز لمن عليه الدين ان يتعين من صاحبه ويقضيه على كراهية ، وان يشتري منه ويبيعه ، وان يضمن عنه غريمه ويقضيه

محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن علي بن إسماعيل، عن أبي بكر الحضرمي قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يكون لي على الرجل الدارهم فيقول: بعني بيعا اقصيك، فأبيعه المتاع ثم أشتريه منه وأقبض مالي، قال: لا بأس [16].»

می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که پیش کسی چند درهم داشتم، آن شخص پیش من می آید و می گوید: برای من خرید و فروش کن، گفت: هم می فروشم و هم از او می خرم و مالم را می گیرم؛ حضرت فرمودند: لا بأس، اشکالی ندارد. البته شیخ رحمه الله در تهذیب هم این روایت را نقل کرده است [17].

ما از این روایات تا به حال این استفاده می کنیم که خرید و فروش مدت با عدم سلب اختیار، اشکالی ندارد.

نمونه این روایات را زیاد داریم؛ در ابواب مختلفی هم مطرح شده است.

#### 7.5-روایت پنجم

روایت دیگر:

وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «سألته عن رجل لي عليه مال و هو معسر، فاشترى بيعا من رجل إلى أجل، على أن أضمن ذلك عنه للرجل ويقضيني الذي لي؟ قال: لا بأس [18].»

این روایت معلوم است که سودآوری دارد؛ طلبی از کسی دارد که آن شخص توانایی پرداخت آن را ندارد؛ چیزی به او مدت دار می‌فروشد و مدت را خرید و فروش می‌کند که حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

به عبارت بهتر همان اصطلاحی که در برخی روایات داریم و دیروز هم اشاره کردیم، آیا معامله عینه جایز است یا جایز نیست؟ کسی کالایی دارد این کالا را به قیمتی بفروشد و دوباره به قیمتی متفاوت از قیمت اول بخرد؛ کالایش را با مدت بفروشد و بی‌مدت با مبلغ کمتری خودش یا دیگری بخرد؛ این معامله جایز است یا خیر؟

همانند معاملات آتی در بازار مشتقه است. یا مانند اختیار معامله است که طرفین توافق می‌کنند جنسی را بگیرند و در تاریخ مشخصی تحویل و تحول داده شود. و جالب است که در بورس این اتفاق می‌افتد که گاهی اصلاً کالایی نیست؛ آیا این جایز است یا خیر؟ اگر چیزی مالیت داشته باشد، مانند کالا است یا خیر؟

#### 7.6-روایت ششم

این روایت را هم ملاحظه بفرمایید. روایات هر دو گروه را عرض می‌کنیم، برای اینکه بتوانید داوری داشته باشید:

وعنه، عن صفوان بن يحيى، عن منصور بن حازم قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون له على الرجل طعام أو بقر أو غنم أو غير ذلك، فأتى المطلوب الطالب ليبتاع منه شيئاً؛ قال: لا يبيعه نسياً، فأما نقداً فليبيعه بما شاء [19].»

نسیه نفروش؛ اما نقدی خواستی بفروش! ما می‌توانیم بگوییم معاملات آتی در بورس صحیح است، ولی معاملات آتی در بورس اشکال دارد؟ طبق این روایت، باید این حرف را بزنیم.

#### 8-نتیجه

پس تا حالا چند شق مسئله شد:

قسم اول: آتی صحیح و آتی باطل باشد.

قسم دوم: آتی را دو قسم کنیم: یا آتی با اختیار صحیح است و آتی بدون اختیار صحیح نیست.

---

[1] تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، ج ۱، ص ۴۵.



[\[2\] قلم/سوره ۶۸، آیه ۴.](#)

[\[3\] بقره/سوره ۲، آیه ۴.](#)

[\[4\] اعراف/سوره ۷، آیه ۸.](#)

[\[5\] قارعه/سوره ۱۰۱، آیه ۶.](#)

[\[6\] قارعه/سوره ۱۰۱، آیه ۷.](#)

[\[7\] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۹۹.](#)

[\[8\] آل عمران/سوره ۳، آیه ۲۰۰.](#)

[\[9\] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۲۳، ص ۵۲.](#)

[\[10\]](#) قرارداد آتی توافقی است بین دو طرف که در بورس منعقد می‌شود و به منظور خرید یا فروش مقداری معین و با کیفیتی مشخص از یک دارایی در زمان مشخصی در آینده با قیمت مورد توافق هنگام امضاء قرارداد تعیین می‌گردد.

[\[11\]](#) قرارداد اختیار معامله: قراردادی میان خریدار و فروشنده اختیار است؛ که به سبب آن، خریدار اختیار، با پرداخت وجهی به فروشنده، حق خرید یا فروش دارایی مشخص را با قیمت معین در آینده به دست می‌آورد. این قرارداد نیز مانند دیگر قراردادهای، عوض و معوض دارد. خریدار اختیار، وجهی به فروشنده پرداخت می‌کند؛ که در واقع همان قیمت اختیار معامله است و فروشنده اختیار نیز حق خرید یا فروش دارایی مشخصی را با قیمت معین به خریدار اعطا می‌کند.

[\[12\]](#) سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (این قانون در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۸۴/۲/۹ به تأیید شورای نگهبان رسید)، فصل اول (تعاریف و اصطلاحات)، ماده ۱، بند ۱۱.

[\[13\] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۴۱، أبواب أحكام العقود، باب ۵، ح ۳، ط آل البیت.](#)

[\[14\] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۴۲، أبواب أحكام العقود، باب ۵، ح ۵، ط آل البیت.](#)

[15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٢، أبواب أحكام العقود، باب ٥، ح ٦، ط آل البيت.

[16] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٣، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ١، ط آل البيت.

[17] تهذيب الأحكام، شيخ الطائفة، ج ٦، ص ١٩٦.

[18] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٤، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ٣، ط آل البيت.

[19] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٥، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ٨، ط آل البيت.